

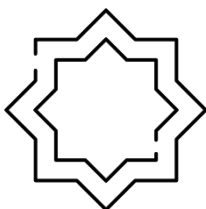
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامع قوانین و مقررات منبع آزمون وکالت

منطبق با آخرین منابع اعلام شده برای آزمون وکالت
از سوی اسکودا (کانون های وکلای دادگستری ایران) و مرکز وکلای قوه قضائیه

درس های:

- ♦ حقوق مدنی ♦ آیین دادرسی مدنی ♦ حقوق تجارت ♦
- ♦ حقوق جزا ♦ آیین دادرسی کیفری ♦
- ♦ حقوق اساسی ♦ حقوق ثبت ♦



کاری از گروه پژوهشی و گردآوری پایگاه خبری اعتبار
سیاوش هوشیار



دفتر دادبازار

www.dadbazar.com

چاپ اول - تهران ۱۴۰۵

برای تهیه کتاب
اینجا کلیک کنید

فهرست مطالب

۵	❖ مقدمه
۹	بخش اول - حقوق مدنی
۱۰	❖ قانون مدنی
۱۰۷	❖ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶
۱۰۹	❖ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶
۱۱۷	❖ قانون حمایت خانواده
۱۲۸	❖ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت
۱۵۴	❖ قانون مسئولیت مدنی
۱۵۶	❖ قانون امور حسبی
۱۸۶	❖ قانون پیش فروش ساختمان
۱۹۰	❖ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه
۲۰۹	❖ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان
۲۱۳	بخش دوم - آیین دادرسی مدنی
۲۱۴	❖ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)
۲۷۹	❖ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
۲۸۴	❖ قانون اجرای احکام مدنی
۳۰۱	❖ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی
۳۰۶	❖ قانون شوراهای حل اختلاف
۳۱۶	❖ قانون دیوان عدالت اداری
۳۳۸	❖ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری
۳۴۳	❖ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری
۳۴۶	❖ قانون حمایت خانواده
۳۴۷	❖ قانون افراز و فروش املاک مشاع
۳۴۸	❖ آیین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع
۳۴۹	❖ قانون نظارت بر رفتار قضات
۳۵۸	❖ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی
۳۵۹	بخش سوم - حقوق تجارت
۳۶۰	❖ قانون تجارت
۴۱۰	❖ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۴۴۶	❖ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی
۴۵۳	❖ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها
۴۵۶	❖ قانون صدور چک
۴۶۶	❖ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی
۵۰۸	❖ قانون تجارت الکترونیکی
۵۲۰	❖ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران

۵۳۱	❖ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی
۵۳۲	❖ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی
۵۴۳	❖ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور
۵۸۳	❖ قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی
۵۸۴	❖ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
۶۰۱	بخش چهارم - حقوق جزا
۶۰۲	❖ قانون مجازات اسلامی
۶۹۰	❖ کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده
۷۲۷	❖ فصل جرایم رایانه‌ای (قانون جرایم رایانه‌ای)
۷۳۴	❖ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری
۷۳۸	❖ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری
۷۴۲	❖ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر
۷۴۴	❖ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند
۷۴۵	❖ قانون صدور چک
۷۴۶	❖ قانون مبارزه با پول‌شویی
۷۵۳	❖ قانون جرم سیاسی
۷۵۵	❖ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن
۷۵۷	❖ قانون ثبت اسناد و املاک (احکام جزائی)
۷۵۸	❖ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (احکام جزائی)
۷۵۹	❖ قانون حمایت خانواده (احکام جزائی)
۷۶۰	❖ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی
۷۶۱	❖ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان
۷۷۱	بخش پنجم - آیین دادرسی کیفری
۷۷۲	❖ قانون آیین دادرسی کیفری
۸۷۲	❖ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
۸۷۳	❖ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۸۷۵	بخش ششم - حقوق اساسی
۸۷۶	❖ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۹۲۵	بخش هفتم - حقوق ثبت
۹۲۶	❖ قانون ثبت اسناد و املاک
۹۵۳	❖ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
۹۵۷	❖ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن
۹۶۵	❖ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن
۹۶۸	❖ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی
۹۹۸	❖ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
۱۰۰۷	❖ فهرست آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

مقدمه

منابع هر آزمون از مهم‌ترین دغدغه‌های داوطلبان هستند و در مورد آزمون وکالت می‌توان گفت اهمیت موضوع خیلی بیشتر است.

سؤالات آزمون وکالت تقریباً در همه ادوار برگزاری این آزمون محل مناقشاتی بوده است، از ایراد به نحوه طراحی خود سؤال یا گزینه اعلام شده به عنوان پاسخ صحیح تا ادعای وجود بیش از یک گزینه صحیح در میان گزینه‌های ارائه شده، که در مواردی هم منتهی به حذف سؤال محل مناقشه و تقسیم نمره آن بین باقی سؤالات و یا حذف سؤال با اثر مثبت به نفع کسانی که به آن سؤال پاسخ صحیح داده بودند شده است.

شاید برای پیشگیری از همین اختلافات بود که کانون‌های وکلا و بعداً مرکز وکلای قوه قضائیه به فکر سامان دادن به طراحی سؤالات آزمون وکالت افتادند و اسکودا در آگهی آزمون وکالت ۱۳۹۸ برای نخستین بار فهرستی از قوانین و مقررات را به عنوان منبع آزمون اعلام کرد.

البته نباید از این نکته مهم غافل شد که قوانین و مقرراتی که چه از سوی اسکودا و چه مرکز وکلای قوه قضائیه به عنوان منبع اعلام می‌شوند، صرفاً محدوده طرح سؤالات را معین می‌کنند و این باعث نشده است که طراحان سؤال آزمون وکالت به ظاهر مواد قانون اکتفا کنند، بنا بر این داوطلبان آزمون وکالت برای کسب نتیجه مطلوب، نباید صرفاً به مطالعه قوانین اکتفا کنند.

محتوای این کتاب

در این کتاب، تمام قوانین و مقرراتی که به عنوان منبع برای آزمون وکالت از سوی اسکودا و مرکز وکلای قوه قضائیه اعلام شده‌اند، همراه با زیرنویس‌های تنقیحی و همچنین آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور - که در زیرنویس‌ها به اختصار «ه.ع.د.ع.ک» آمده است - گردآوری شده‌اند.

در انتهای کتاب فهرستی از همه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور که در زیرنویس‌های کتاب آمده، قرار گرفته است که با استفاده از آن می‌توانید رای وحدت رویه مورد نظر را ذیل مواد مرتبط پیدا کنید.

بالای هر عنوان از قوانین و مقررات در این کتاب، در دو کادر جداگانه با عنوان «اسکودا» و «مرکز وکلا» معلوم شده است که قانون یا مقررات مذکور منبع کدام یک یا هر دوی این آزمون‌هاست.

با توجه به تأکید اسکودا و مرکز وکلای قوه قضائیه برای مطالعه آیین‌نامه‌های اجرایی قوانینی که به عنوان منبع اعلام می‌شوند، نشر دادبازار مجموعه آیین‌نامه‌های قوانین منبع آزمون وکالت را در کتابی با عنوان «آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین منبع آزمون وکالت» گردآوری و منتشر کرده است که می‌توانید آن را تهیه و مطالعه کنید.

منابع اعلام شده از سوی اسکودا

فهرست قوانین و مقرراتی که اسکودا به عنوان منبع آزمون وکالت اعلام کرده است به این شرح هستند:

حقوق مدنی

- | | |
|--|---|
| (۱) قانون مدنی | (۷) قانون امور حسبی |
| (۲) قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶ | (۸) قانون پیش‌فروش ساختمان |
| (۳) قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۷۶ | (۹) قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه |
| (۴) قانون حمایت خانواده | (۱۰) قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان |
| (۵) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت | |
| (۶) قانون مسئولیت مدنی | |

آیین دادرسی مدنی

- (۱) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- (۲) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)
- (۳) قانون اجرای احکام مدنی
- (۴) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی
- (۵) قانون شوراهای حل اختلاف
- (۶) قانون دیوان عدالت اداری
- (۷) لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری
- (۸) قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت
- (۹) قانون افراز و فروش املاک مشاع و آیین‌نامه آن
- (۱۰) قانون نظارت بر رفتار قضات
- (۱۱) قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی

حقوق تجارت

- (۱) قانون تجارت
- (۲) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
- (۳) قانون اداره تصفیة امور ورشکستگی
- (۴) قانون راجع به ثبت شرکت‌ها
- (۵) قانون صدور چک با اصلاحات بعدی
- (۶) احکام مرتبط از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
- (۷) قانون تجارت الکترونیکی
- (۸) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران
- (۹) قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران
- (۱۰) قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی
- (۱۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور

حقوق جزا

- (۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- (۲) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵
- (۳) قانون جرایم رایانه‌ای (فصل جرایم رایانه‌ای قانون مجازات اسلامی)
- (۴) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری
- (۵) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری
- (۶) قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر
- (۷) قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تباری می‌نمایند
- (۸) قانون صدور چک
- (۹) قانون مبارزه با پول‌شویی
- (۱۰) قانون جرم سیاسی
- (۱۱) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن
- (۱۲) احکام جزائی «قانون ثبت اسناد و املاک»، «قانون اصلاح قسمتی از قانون» و «قانون حمایت خانواده»

آیین دادرسی کیفری

- (۱) قانون آیین دادرسی کیفری
- (۲) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- (۳) قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

حقوق اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

منابع اعلام شده از سوی مرکز وکلای قوه قضائیه

فهرست قوانین و مقرراتی که مرکز وکلای قوه قضائیه به عنوان منبع آزمون وکالت اعلام کرده است به این شرح هستند:

حقوق مدنی

- (۱) قانون مدنی
- (۲) قانون مسئولیت مدنی
- (۳) قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶
- (۴) قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۷۶
- (۵) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث حوادث ناشی از وسایل نقلیه

آیین دادرسی مدنی

- (۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور ۴) قانون دیوان عدالت اداری مدنی)
- (۲) قانون اجرای احکام مدنی
- (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی
- (۴) قانون دیوان عدالت اداری
- (۵) قانون حمایت خانواده
- (۶) قانون شوراهای حل اختلاف

حقوق تجارت

- (۱) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱
- (۲) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
- (۳) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
- (۴) قانون صدور چک
- (۵) قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی
- (۶) قانون راجع به ثبت شرکت‌ها
- (۷) قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی
- (۸) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران

حقوق جزای عمومی و اختصاصی

- (۱) قانون مجازات اسلامی (کتاب‌های اول تا پنجم)
- (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری
- (۳) قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر
- (۴) قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند پول‌شویی
- (۵) قانون اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی
- (۶) احکام جزائی «قانون صدور چک»، «قانون ثبت اسناد و املاک»، «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، «قانون مبارزه با

آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری

حقوق اساسی

قانون اساسی به همراه نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان

حقوق ثبت

- (۱) قانون ثبت اسناد و املاک
- (۲) قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
- (۳) قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن
- (۴) آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی
- (۵) قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول

بخش اول
حقوق مدنی

قانون مدنی

مصوب ۱۳۱۴/۸/۸ مجلس شورای ملی با اصلاحات بعدی

مقدمه- در انتشار و آثار و اجرای قوانین به طور عموم

ماده ۱ (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴)- مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس‌جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس‌جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضاء و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید.

تبصره (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴)- در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از امضاء یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس‌مجلس شورای اسلامی روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید

ماده ۲ (اصلاحی ۱۳۴۸/۸/۲۹)- قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.

ماده ۳- انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به‌عمل آید.

ماده ۴- اثر قانون نسبت به آتی است^۱ و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.

ماده ۵- کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.

ماده ۶- قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص وارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود.

ماده ۷- اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

ماده ۸- اموال غیرمنقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده یا می‌کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.

ماده ۹- مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

ماده ۱۰- قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۴۵ - ۱۳۹۴/۸/۲۶ ه.ع.د.ع.ک: «نظر به اینکه ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: «آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد.» و با عنایت به اینکه بر حسب مستفاد از ماده ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر... مصوب ۱۳۷۶/۸/۱، آرای محکومیت مرتکبین جرایم مواد مخدر به استثنای احکام اعدام که تا تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۱ صادر گردیده، قطعی و لازم‌الاجرا است و در «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲ مقررات خاصی برای تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی نسبت به این آراء وضع نگردیده است، بنابراین مقررات این قانون راجع به اعتراض به آرا با لحاظ حکم مقرر در ماده ۴ قانون مدنی که مقرر می‌دارد اثر قانون نسبت به آتی است، منصرف از آنست که در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد. منصرفاً مورد اشاره است.»

ماده ۲۳۷- هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را بجا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید.

ماده ۲۳۸- هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن غیر مقدور ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد حاکم می‌تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند.

ماده ۲۳۹- هرگاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت.

ماده ۲۴۰- اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط بر نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر اینکه امتناع مستند به فعل مشروطه باشد.

ماده ۲۴۱- ممکن است در معامله شرط شود که یکی از متعاملین برای آنچه که به واسطه معامله مشغول الذمه می‌شود رهن یا ضامن بدهد.

ماده ۲۴۲- هرگاه در عقد شرط شده باشد که مشروط علیه مال معین را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود مشروطه اختیار فسخ معامله را خواهد داشت نه حق مطالبه عوض رهن یا ارش عیب و اگر بعد از آنکه مال را مشروطه به رهن گرفت آن مال تلف یا معیوب شود دیگر اختیار فسخ ندارد.

ماده ۲۴۳- هرگاه در عقد شرط شده باشد که ضامنی داده شود و این شرط انجام نگیرد مشروطه حق فسخ معامله را خواهد داشت.

ماده ۲۴۴- طرف معامله که شرط به نفع او شده می‌تواند از عمل به آن شرط صرف نظر کند که در این صورت مثل آنست که این شرط در معامله قید نشده باشد لیکن شرط نتیجه قابل اسقاط نیست.

ماده ۲۴۵- اسقاط حق حاصل از شرط ممکن است به لفظ باشد یا به فعل یعنی عملی که دلالت بر اسقاط شرط نماید.

ماده ۲۴۶- در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد می‌تواند عوض او را از مشروطه بگیرد.

فصل پنجم- در معاملاتی که موضوع آن مال غیر است یا معاملات فضولی

ماده ۲۴۷- معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود در این صورت معامله صحیح و نافذ می‌شود.^{۱۴}

۱۴. الف- رای وحدت رویه شماره ۸۵۲ - ۱۴۰۳/۶/۲۰ ه.ع.د.ع.ک: «هرگاه شخصی مالی را با سند عادی به دیگری انتقال دهد و سپس با علم به اینکه مال متعلق به او نیست، بدون مجوز قانونی آن را نزد بانک یا مرجع قضائی یا هر شخص دیگری در رهن یا وثیقه قرار دهد، رفتار مرتکب مشمول ماده دوم قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌نمایند مصوب ۱۳۰۸، تلقی و به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم می‌شود.»

ب- رای وحدت رویه شماره ۸۴۷ - ۱۴۰۳/۲/۲۵ ه.ع.د.ع.ک: «طبق ماده ۲۴۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ انجام معامله نسبت به مال دیگری از طریق وکالت تجویز شده است. از سوی دیگر مطابق ماده ۶۶۷ همان قانون وکیل موظف است در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را رعایت نماید و از آنچه موکل صراحتاً به او اختیار داده و یا بر حسب قرائن، عرف و عادت که داخل در اختیارات اوست تجاوز نکند. بنابراین هرگاه شخصی وکالت فروش مال خود را به دیگری تفویض کند و در وکالت‌نامه قید نماید که وکیل اختیار دارد مال او را به هر قیمتی معامله کند عبارت «به هر قیمت یا به هر شخص ولو به خود» محمول بر قیمت متعارف خواهد بود و چنانچه وکیل آن مال را به قیمت کم که عرفاً ثمن بخش و غیر قابل قبول باشد به خود یا دیگری بفروشد، اقدام وی فضولی محسوب می‌شود و با وحدت ملاک از ماده ۱۰۷۳ قانون مدنی معامله انجام شده بدون تنفیذ موکل محکوم به بطلان است. بدیهی است موضوع مورد بحث شامل مواردی که قبل از تنظیم وکالت‌نامه، معامله‌ای صورت گرفته باشد، نمی‌گردد.»

ماده ۲۴۸- اجازه مالک نسبت به معامله فضولی حاصل می‌شود به لفظ یا فعلی که دلالت بر امضای عقد نماید.

ماده ۲۴۹- سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی‌شود.

ماده ۲۵۰- اجازه در صورتی مؤثر است که مسبوق برد نباشد و الا اثری ندارد.

ماده ۲۵۱- رد معامله فضولی حاصل می‌شود به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر عدم رضای به آن نماید.

ماده ۲۵۲- لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد. اگر تأخیر موجب تضییع طرف اصیل باشد مشارالیه می‌تواند معامله را به هم بزند.

ماده ۲۵۳- در معامله فضولی اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت نماید اجازه یا رد با وارث است.

ماده ۲۵۴- هرگاه کسی نسبت به مال غیر معامله نماید و بعد از آن به نحوی از انحاء به معامله‌کننده فضولی منتقل شود صرف تملک موجب نفوذ معامله سابقه نخواهد بود.

ماده ۲۵۵- هرگاه کسی نسبت به مالی معامله به عنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله‌کننده بوده است یا ملک کسی بوده است که معامله‌کننده می‌توانسته است از قبل او ولایتاً یا وکالتاً معامله نماید در این صورت نفوذ و صحت معامله موکول به اجازه معامل است و الا معامله باطل خواهد بود.

ماده ۲۵۶- هرگاه کسی مال خود و مال غیر را به یک عقدی منتقل کند یا انتقال مالی را برای خود و دیگری قبول کند معامله نسبت به خود او نافذ و نسبت به غیر فضولی است.

ماده ۲۵۷- اگر عین مالی که موضوع معامله فضولی بوده است قبل از اینکه مالک معامله فضولی را اجازه یا رد کند مورد معامله دیگر نیز واقع شود مالک می‌تواند هر یک از معاملات را که بخواهد اجازه کند در این صورت هر یک را اجازه کرد معاملات بعد از آن نافذ و سابق بر آن باطل خواهد بود.

ماده ۲۵۸- نسبت به منافع مالی که مورد معامله فضولی بوده است و همچنین نسبت به منافع حاصله از عوض آن اجازه یا رد از روز عقد مؤثر خواهد بود.

ماده ۲۵۹- هرگاه معامل فضولی مالی را که موضوع معامله بوده است به تصرف متعامل داده باشد و مالک آن معامله را اجازه نکند متصرف ضامن عین و منافع است.

ماده ۲۶۰- در صورتی که معامل فضولی عوض مالی را که موضوع معامله بوده است گرفته و در نزد خود داشته باشد و مالک با اجازه معامله قبض عوض را نیز اجازه کند دیگر حق رجوع به طرف دیگر نخواهد داشت.

ماده ۲۶۱- در صورتی که مبیع فضولی به تصرف مشتری داده شود هرگاه مالک معامله را اجازه نکرد مشتری نسبت به اصل مال و منافع مدتی که در تصرف او بوده ضامن است اگر چه منافع را استیفاء نکرده باشد و همچنین است نسبت به هر عیبی که در مدت تصرف مشتری حادث شده باشد.

ماده ۲۶۲- در مورد ماده قبل مشتری حق دارد که برای استرداد ثمن عیناً یا مثلاً یا قیمتاً به بایع فضولی رجوع کند.

ماده ۲۶۳- هرگاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت.

فصل ششم- در سقوط تعهدات

ماده ۲۶۴- تعهدات به یکی از طرق ذیل ساقط می‌شود:

۱- به وسیله وفای به عهد.

۲- به وسیله اقاله.

۳- به وسیله ابراء.

قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۷۶

مصوب ۱۳۷۶/۵/۲۶ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

فصل اول - روابط موجر و مستاجر

ماده ۱- از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، اجاره کلیه اماکن اعم از مسکونی، تجاری، محل کسب و پیشه، اماکن آموزشی، خوابگاه‌های دانشجویی و ساختمان‌های دولتی و نظایر آن که با قرارداد رسمی یا عادی منعقد می‌شود تابع مقررات قانون مدنی و مقررات مندرج در این قانون و شرایط مقرر بین موجر و مستاجر خواهد بود.

ماده ۲ (اصلاحی به موجب قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها مصوب ۱۴۰۳/۲/۱۰)^{۶۸} - در کلیه قراردادهای اجاره باید مدت و مبلغ اجاره و مبلغ قرض الحسنه، تصریح و در سامانه‌های ثبت الکترونیک اسناد یا ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور ثبت شود و پس از تأیید موجر، مستاجر و دو نفر افراد مورد اطمینان طرفین به عنوان شهود، اقدام به اخذ شناسه (کد) رهگیری شود.

ماده ۳- پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یا قائم مقام قانونی وی تخلیه عین مستآجره در اجاره با سند رسمی توسط دواير اجرای ثبت ظرف یک هفته و در اجاره با سند عادی ظرف یک هفته پس از تقدیم تقاضای تخلیه به دستور مقام قضائی در مرجع قضائی توسط ضابطین قوه قضائیه انجام خواهد گرفت.

ماده ۴- در صورتی که موجر مبلغی به عنوان ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه و یا سند تعهدآور و مشابه آن از مستآجر دریافت کرده باشد تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر موکول به استرداد سند یا وجه مذکور به مستآجر و یا سپردن آن به دایره اجراست، چنانچه موجر مدعی ورود خسارت به عین مستآجره از ناحیه مستآجر و یا عدم پرداخت مال الاجاره یا بدهی بابت قبوض تلفن، آب، برق و گاز مصرفی بوده و متقاضی جبران خسارات وارده و یا پرداخت بدهی‌های فوق از محل وجوه یاد شده باشد موظف است همزمان با تودیع وجه یا سند، گواهی دفتر شعبه دادگاه صالح را مبنی بر تسلیم دادخواست مطالبه ضرر و زیان به میزان مورد ادعا به دایره اجرا تحویل نماید. در این صورت دایره اجرا از تسلیم وجه یا سند به مستآجر به همان میزان خودداری و پس از صدور رای دادگاه و کسر مطالبات موجر اقدام به رد آن به مستآجر خواهد کرد.

ماده ۵- چنانچه مستآجر در مورد مفاد قرارداد ارایه شده از سوی موجر مدعی هرگونه حقی باشد ضمن اجرای دستور تخلیه شکایت خود را به دادگاه صالح تقدیم و پس از اثبات حق مورد ادعا و نیز جبران خسارات وارده حکم مقتضی صادر می‌شود.

فصل دوم - سرقفلی

ماده ۶- هرگاه مالک، ملک تجاری خود را به اجاره واگذار نماید می‌تواند مبلغی را تحت عنوان سرقفلی از مستآجر دریافت نماید. همچنین مستآجر می‌تواند در اثنای مدت اجاره برای واگذاری حق خود مبلغی را از موجر یا مستآجر دیگر به عنوان سرقفلی دریافت کند، مگر آنکه در ضمن عقد اجاره حق انتقال به غیر از وی سلب شده باشد.

تبصره ۱- چنانچه مالک سرقفلی نگرفته باشد و مستآجر با دریافت سرقفلی ملک را به دیگری واگذار نماید پس از پایان مدت اجاره مستآجر اخیر حق مطالبه سرقفلی از مالک را ندارد.

تبصره ۲- در صورتی که موجر به طریق صحیح شرعی سرقفلی را به مستآجر منتقل نماید، هنگام تخلیه مستآجر حق مطالبه سرقفلی به قیمت عادلانه روز را دارد.

۶۸. قراردادهای عادی اجاره باید با قید مدت اجاره در دو نسخه تنظیم شود و به امضای موجر و مستاجر برسد و به وسیله دو نفر مورد اعتماد طرفین به عنوان شهود گواهی گردد.

قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه

مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

بخش نخست - کلیات

ماده ۱- اصطلاحات به کار برده شده در این قانون، دارای معانی به شرح زیر است:

الف- خسارت بدنی: هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و از کار افتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی - موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه با رعایت ماده (۳۵) این قانون به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون.

ب- خسارت مالی: زیان‌هایی که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد شود.

پ- حوادث: هرگونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه موضوع بند (ث) این ماده و محمولات آن‌ها از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش‌سوزی و یا انفجار یا هر نوع سانحه ناشی از وسایل نقلیه بر اثر حوادث غیرمترقبه.

ت- شخص ثالث: هر شخصی است که به سبب حوادث موضوع این قانون دچار خسارت بدنی و یا مالی شود به استثنای راننده مسبب حادثه.

ث- وسیله نقلیه: وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی شهری و بین‌شهری و واگن متصل یا غیرمتصل به آن و بدک و کفی (تریلر) متصل به آن‌ها

ج- صندوق: صندوق تأمین خسارات‌های بدنی

چ- بیمه مرکزی: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ح- راهنمایی و رانندگی: پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۲- کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می‌شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون نزد شرکت بیمه‌ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.

تبصره ۱- دارنده از نظر این قانون اعم از مالک و یا متصرف وسیله نقلیه است و هر کدام که بیمه‌نامه موضوع این ماده را تحصیل کند تکلیف از دیگری ساقط می‌شود.

تبصره ۲- مسئولیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه‌نامه موضوع این قانون مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارد شده از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد.

ماده ۳- دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارات‌های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیرحرام، بیمه حوادث اخذ کند^{۱۳۹}؛ مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب

۱۳۹. رأی وحدت رویه شماره ۸۰۶ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ ه.ع.د.ک: «در موارد مشمول ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰، گرچه پرداخت خسارت به زیان‌دیده و بازپایان آن از مسبب

بخش دوم
**آیین دادرسی
مدنی**

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)

مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

کتاب اول - در امور مدنی

کلیات

ماده ۱- آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

ماده ۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.^{۱۵۴}

ماده ۳- قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده^{۱۵۵}، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند.

الف- ۱۵۴- رأی وحدت رویه شماره ۸۵۵ - ۱۴۰۳/۹/۱۳ ه.ع.د.ع.ک: «در مواردی که یکی از متداعیین، در مهلت تجدیدنظر نسبت به رأی صادرشده از دادگاه نخستین در موضوعاتی که قابل تجزیه و تفکیک نیست، تجدیدنظرخواهی نموده و در مورد آن، رأی قطعی صادر شده باشد، صرف صدور رأی از سوی دادگاه تجدیدنظر، موجب از بین رفتن حق فرجام‌خواهی سایر اصحاب دعوا که حق تجدیدنظرخواهی خود را به استناد رأی وحدت رویه ۸۱۹ - ۱۴۰۱/۱/۱۶* اسقاط نموده و یا با انقضای مهلت از این حق استفاده نکرده باشند نخواهد شد. لذا شعب دیوان عالی کشور مطابق مواد ۲، ۳، ۳۶۷ و ۴۰۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مکلفند به دعوای اقامه شده برابر مقررات رسیدگی کنند.»

* «رأی وحدت رویه شماره ۸۱۹ - ۱۴۰۱/۱/۱۶ ه.ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۱۸۶ ببینید.

ب- رأی وحدت رویه شماره ۸۴۵ - ۱۴۰۲/۱۲/۸ ه.ع.د.ع.ک: «مطابق ماده ۱۴۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱، صدور دستور انتقال و تملیک مال مورد مزایده، مترتب بر اجرای صحیح مقررات و تشریفات برگزاری مزایده و احراز صحت انجام آن توسط دادگاه است، لذا در صورت وجود تخلفات مؤثر در فرایند برگزاری مزایده، مقررات ماده قانونی یاد شده، مانع از استماع دعوی ابطال مزایده و سند انتقال اجرائی نیست و در اجرای مواد ۲ و ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، دادگاه مکلف به رسیدگی به دعوای اقامه شده از سوی شخص ذی نفع می‌باشد.»

پ- رأی وحدت رویه شماره ۷۱۴ - ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ ه.ع.د.ع.ک: «طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید... و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعواست و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تأکید بر حق متداعیین در انتخاب وکیل، در ماده ۲ مقرر داشته: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.» و در ماده ۳۹ تصریح کرده: «در صورتی که وکیل استعفاي خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید...» همچنین قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیر ماده ۳۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور برای اقامه دعوای حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست.»

الف- ۱۵۵- «رأی وحدت رویه شماره ۸۵۵ - ۱۴۰۳/۹/۱۳ ه.ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۱۵۴ ببینید.

قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب^{۲۱۵}

مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

ماده ۱ (منسوخ در امور کیفری)^{۲۱۶} - به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد، دادگاه‌هایی با صلاحیت عام به شرح مواد آتیه تشکیل می‌شوند.

ماده ۲ - تأسیس دادگاه‌های عمومی در هر حوزه قضائی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاه‌های مزبور به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

ماده ۳ - [بهموجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسخ صریح شده است.]

ماده ۴ (اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸) - هر حوزه قضائی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شوند. دادگاه‌های حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاه‌های جزایی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود.

تخصیص شعبی از دادگاه‌های حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.

در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزایی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزایی ارجاع شود.

تبصره (الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸) - رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می‌شود در دادگاه کیفری استان^{۲۱۷} به عمل خواهد آمد.

رسیدگی به کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرا و معاونین آن‌ها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران، فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد به استثنای مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضائی است.

ماده ۵ - [بهموجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسخ صریح شده است.]

ماده ۶ - طرفین دعوا در صورت توافق می‌توانند برای احقاق حق و فصل خصومت، به قاضی تحکیم^{۲۱۸} مراجعه نمایند.

ماده ۷ (منسوخ در امور کیفری) - احکام دادگاه‌های عمومی و انقلاب قطعی است مگر در مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدیدنظر پیش‌بینی شده است.

ماده ۸ (منسوخ در امور کیفری) - قضات دادگاه‌ها و دادرهای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات

۲۱۵. «قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» فقط از سوی اسکودا (کانون‌های وکلای دادگستری ایران) به عنوان قانون منبع برای دو درس آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری اعلام شده است و مرکز وکلای قوه قضائیه این قانون را به عنوان منبع برای هیچ درسی در آزمون اعلام نکرده است.

۲۱۶. بهموجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برخی مواد «قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» به طور کلی و برخی دیگر فقط در امور کیفری نسخ صریح شده اند، مواد اخیر در امور غیرکیفری (حقوقی) معتبر هستند.

۲۱۷. «دادگاه‌های کیفری استان» طبق تبصره ۳ ذیل ماده ۲۹۶ «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب ۱۳۹۲ به «دادگاه‌های کیفری یک» تبدیل شده‌اند.

۲۱۸. «قاضی تحکیم» در ادبیات فقهی معادل «داور» یا «میانچی» است.

قانون شوراهای حل اختلاف

مصوب ۱۴۰۲/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی

فصل اول - ساختار و تشکیلات

ماده ۱- به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می‌شوند، زیر نظر قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردند.

ماده ۲- برنامه‌ریزی و راهبری شوراهای توسط مرکز حل اختلاف که در این قانون به اختصار «مرکز» نامیده می‌شود، انجام می‌گیرد.

تبصره - مرکز، زیر نظر رئیس قوه قضائیه اداره می‌شود و رئیس مرکز با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

ماده ۳- حوزه فعالیت شوراهای تابع حوزه قضائی بخش یا شهرستان مربوط است.

تبصره ۱- شعب شوراهای در شهرها و در صورت لزوم در مراکز دهستان‌ها و روستاها به تشخیص رئیس قوه قضائیه به تعداد لازم تشکیل می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند این امر را به رئیس مرکز تفویض کند.

تبصره ۲- برای رسیدگی به امور فنی و صنفی در دعاوی و شکایات فی‌مابین اصناف، «شوراهای حل اختلاف تخصصی» قابل تشکیل است. در صورت تشکیل شوراهای حل اختلاف تخصصی مذکور و عدم رد صلاحیت تخصصی خود، دعاوی مربوط منحصرأ در این شعب بر اساس احکام این قانون رسیدگی می‌شود. همچنین برای رسیدگی به امور و دعاوی مربوط به احوال شخصیه فی‌مابین اقلیت‌های دینی موضوع اصل سیزدهم (۱۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب مقرر در این قانون، شوراهای حل اختلاف تخصصی قابل تشکیل است که تشکیل این شوراهای مانع از مراجعه اقلیت‌های دینی مذکور به دیگر شوراهای همان حوزه قضائی نیست.

ماده ۴- قوه قضائیه مکلف است حداکثر ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، در هر حوزه قضائی شهرستان، شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها را تحت مدیریت و نظارت رئیس آن حوزه قضائی به‌عنوان دادگاه صلح تعیین کند.^{۲۳۲}

در حوزه قضائی بخش، وظایف و اختیارات و صلاحیت‌های دادگاه صلح می‌تواند بر عهده دادگاه بخش باشد که بر اساس احکام این قانون رسیدگی می‌کند.

ریاست و نظارت دادگاه‌های صلح و شوراهای حل اختلاف در استان بر اساس آیین‌نامه ماده (۴۰) این قانون تعیین می‌شود.

ماده ۵- هر شعبه شورا دارای رئیس، یک نفر عضو اصلی و حسب مورد یک نفر عضو علی‌البدل است که جلسات شورا با حضور دو نفر رسمیت می‌یابد.

تبصره ۱- در هر حوزه قضائی حسب مورد تعدادی عضو علی‌البدل تعیین می‌شود که در صورت غیبت رئیس شعبه شورا یا عضو اصلی یا در صورت عدم وحدت نظر دو عضو شورا به دستور رئیس شورای حوزه قضائی مربوط، عضو علی‌البدل،

۲۳۲. الف- طبق ماده ۳۶ همین قانون، تا زمان تشکیل دادگاه‌های صلح، به دعاوی و شکایات مطابق قوانین و مقررات جاری کشور ازجمله قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ رسیدگی می‌شود.

ب- رأی وحدت رویه شماره ۸۶۵ - ۱۴۰۴/۴/۳۱ ه.ع.د.ک: «مطابق ماده ۴ و بند یک ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۶/۲۲ از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در هر حوزه قضائی، شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها به دادگاه صلح اختصاص یافته و رسیدگی به دعاوی مالی تا سقف یک میلیارد ریال به نحو مطلق به آن مرجع واگذار شده است و اطلاق آن، شامل دعاوی مالی منقول و غیرمنقول می‌شود. بر این اساس، در مواردی که بهای خواست دعاوی اقامه شده کمتر از نصاب مقرر باشد، رسیدگی به آن با دادگاه صلح بود و عبارت «مرجع صالح قضائی» در تبصره ۴ ماده ۲۰ قانون یاد شده، ناظر به دادگاه صلح است.»

قانون دیوان عدالت اداری^{۲۳۹}

مصوب ۱۳۹۰/۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

بخش اول - تشکیلات

ماده ۱- در اجرای اصل یکصد و هفتاد و سوم (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به ماموران، واحدها و آیین‌نامه‌های دولتی خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب‌کننده، دیوان عدالت اداری که در این قانون به اختصار «دیوان» نامیده می‌شود زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد.^{۲۴۰}

ماده ۲ (اصلاحی ۱۴۰۲/۲/۱۰)- دیوان در تهران مستقر است و متشکل از شعب بدوی، تجدیدنظر، هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی می‌باشد. تشکیلات قضائی، اداری و تعداد شعب دیوان و سازماندهی آنها در قالب معاونت‌های تخصصی با تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره- رئیس دیوان عدالت اداری می‌تواند پیشنهادات خود را به رئیس قوه قضائیه ارائه نماید.

ماده ۳- هر شعبه بدوی دیوان از یک رئیس یا دادرس علی‌البدل و هر شعبه تجدیدنظر از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رای، نظر اکثریت است. آرای شعب تجدیدنظر دیوان قطعی است.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۴۰۲/۲/۱۰)- چنانچه جلسه شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت یابد و هنگام صدور رای اختلاف نظر حاصل شود، یک عضو مستشار توسط رئیس دیوان به آنان اضافه می‌شود در صورت عدم حضور رئیس شعبه تجدیدنظر، اداره شعبه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۴۰۲/۲/۱۰)- شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از عمومی و خصوصی از آراء و تصمیمات مراجع اختصاصی اداری موضوع بند (۲) ماده (۱۰) این قانون مستقیماً در شعب تجدیدنظر مطرح و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، رأی صادره قطعی است. سایر شکایات و اعتراضات در شعب بدوی رسیدگی می‌شود. پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون پرونده‌های موجود در شعب بدوی و تجدیدنظر مطابق صلاحیت زمان ثبت دادخواست رسیدگی می‌شود.

تبصره ۳ (الحاقی ۱۴۰۲/۲/۱۰)- مقصود از مراجع اختصاصی اداری کلیه مراجع و هیئت‌هایی است که به موجب قوانین

۲۳۹. الف- اصلاحی به موجب «قانون اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» مصوب ۱۴۰۲/۲/۱۰

ب- عنوان این قانون ابتدا «قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» بود که به موجب ماده ۱ «قانون اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»، به «قانون دیوان عدالت اداری» تغییر پیدا کرده است.

۲۴۰. بند (ب) ماده ۱۱۷ قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳: «اختلافات میان دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری که ذیل قوه مجریه می‌باشند با رعایت اصل یکصد و سی و چهارم (۱۳۴) قانون اساسی حل و فصل می‌شود. چنانچه دستگاه‌های اجرائی به هر دلیلی از اجرای تصمیم خودداری کنند، سازمان مطابق تصمیم مذکور مبلغ مورد حکم را از اعتبارات بودجه سنواتی سال آینده دستگاه مربوط، کسر و به اعتبارات دستگاه اجرائی ذی‌نفع اضافه می‌کند. در مورد آن دسته از شرکت‌های دولتی یا مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت یا مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی یا بانک‌ها (که فاقد ردیف در بودجه سنواتی بوده و یا فاقد حساب‌های متمرکز هستند) اجرای تصمیم مذکور از محل حساب‌های متعلق به آن‌ها، بر عهده خزانه‌داری کل کشور یا بانک مرکزی از محل اعتبارات بودجه سال بعد می‌باشد. در هر حال ارجاع اختلاف میان دستگاه‌های اجرائی به قوه قضائیه منوط به تأیید هیئت وزیران است. معاونت حقوقی ریاست جمهوری اجرای تصمیمات متخذه را پیگیری می‌کند. دعاوی کیفری از مقررات این بند خارج است.»

بخش سوم
حقوق تجارت

قانون تجارت

مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

با اصلاحات بعدی

باب اول- تجار و معاملات تجاری

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

ماده ۲- معاملات تجاری از قرار ذیل است:

(۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

(۲) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

(۳) هر قسم عملیات دلالتی یا حق العمل کاری (کمیسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام

بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

(۴) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

(۵) تصدی به عملیات حراجی.

(۶) تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی.

(۷) هر قسم عملیات صرافی و بانکی.

(۸) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیرتاجر باشد.

(۹) عملیات بیمه بحری و غیربحری

(۱۰) کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

ماده ۳- معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود:

(۱) کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها.

(۲) کلیه معاملاتی که تاجر با غیرتاجر برای حوائج تجاری خود می نماید.

(۳) کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می نماید.

(۴) کلیه معاملات شرکت های تجاری.

ماده ۴- معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود.

ماده ۵- کلیه معاملات تاجر تجاری محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.

باب دوم- دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری

فصل اول- دفاتر تجاری

ماده ۶- هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه

قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد: ^{۲۶۱}

ماده ۴۱۷- حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود.^{۳۰۵}

ماده ۴۱۸- تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است.^{۳۰۶} در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم‌مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.

ماده ۴۱۹- از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.

ماده ۴۲۰- محکمه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.

ماده ۴۲۱- همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می‌شود.^{۳۰۷}

ماده ۴۲۲- هرگاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه فته طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین نمایند.

ماده ۴۲۳- هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:

۱) هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیرمنقول باشد.

۳۰۵. رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱ - ۱۳۷۰/۳/۲۸ ه.ع.د.ع.ک: «ماده ۴۱۷ قانون تجارت حکم ورشکستگی تاجر را موقتاً قابل اجرا شناخته است در بند ۲ و بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت هم تصریح شده که تأدیه هر قرض تاجر ورشکسته اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد و هر معامله که مالی از اموال منقول و غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود باطل و بی اثر است. بنابراین در هر مورد که بعد از تاریخ توقف حکمی مستقیماً علیه تاجر متوقف در مورد بدهی او به بعضی از بستانکاران وی صادر و اجراء شود کلیه عملیات اجرائی و نقل و انتقالات مربوط که متضمن ضرر سایر طلبکاران تاجر ورشکسته می‌باشد مشمول ماده ۴۲۳ قانون تجارت بوده و باطل و بی اعتبار است.»

۳۰۶ الف- رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ - ۱۴۰۴/۱/۱۹ ه.ع.د.ع.ک: «مستفاد از مواد ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۶۲ و ۴۶۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ با اصلاحات بعدی و مواد ۱۳، ۳۰، ۳۶ و ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴ با صدور حکم ورشکستگی، اداره تصفیه به قائم مقامی از شخص ورشکسته مبادرت به تشخیص و تصدیق مطالبات بستانکاران با رعایت تناسب حقوق آنان می‌نماید. در صورتی که مطالبات برخی از بستانکاران ارز بوده، مبنای محاسبه و تسعیر، معادل ارزش ریالی آن به نرخ روز اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان تصدیق مطالبات خواهد بود.»

ب- رأی وحدت رویه شماره ۲۹۰ - ۱۳۵۰/۹/۱۷ ه.ع.د.ع.ک: «چون ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به موجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت از مداخله در کلیه اموال خود ممنوع است و مدعی خصوصی نیز در صورتی که به اموال او دسترسی داشته باشد به واسطه اینکه دارایی ورشکسته متعلق حق همه طلبکاران است حق مداخله نداشته و باید برای استیفای حقوق خود به اداره تصفیه مراجعه نماید مورد از شمول ماده ۱ الحاقی به آیین دادرسی کیفری* خارج است و نمی‌توان ورشکسته را به استناد آن توقیف کرد.»

*منظور قانون آیین دادرسی منسوخ مصوب ۱۳۱۸ است، در حال حاضر ماده ۳ «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» مصوب ۱۳۹۴ حکم مشابهی دارد.

۳۰۷ الف- رأی وحدت رویه ۸۷۷ - ۱۴۰۵/۳/۱۲ ه.ع.د.ع.ک: «مطابق ماده ۴۲۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی، پس از صدور حکم ورشکستگی، قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، به قروض حال مبدل می‌شود و با وصول حکم به اداره تصفیه، این مرجع در اجرای مواد ۱۳، ۳۰، ۴۶ و ۴۷ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، اموال و دارایی‌های شخص ورشکسته را صورت‌برداری و مهر و موم نموده و مطالبات بستانکاران را تصدیق می‌کند. چنانچه بر اثر تورم، ارزش اموال و دارایی‌های ورشکسته افزایش یافته یا اموالی باقی مانده که مازاد بر دیون او باشد و بستانکاران خسارت ناشی از کاهش ارزش دین (موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی) را درخواست کنند، اداره تصفیه پس از احراز، از محل دارایی‌های باقی‌مانده آن را محاسبه و به بستانکاران پرداخت خواهد کرد.»

ب- «رأی وحدت رویه شماره ۸۷۲ - ۱۴۰۴/۹/۱۱ ه.ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۲۱۳ ببینید.

پ- «رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ - ۱۴۰۴/۱/۱۹ ه.ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۳۰۶ ببینید.

قانون صدور چک^{۳۴۳}

مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ مجلس شورای ملی با اصلاحات بعدی

ماده ۱ (الحاقی ۱۳۷۲/۸/۱۱)^{۳۴۴} - انواع چک عبارت است از:^{۳۴۵}

۱- چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.

۲- چک تأییدشده، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال‌علیه پرداخت وجه آن تأیید می‌شود.

۳- چک تضمین‌شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود.

۴- چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.

تبصره (الحاقی ۱۳۹۷/۸/۱۳) - قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چک‌هایی که به شکل الکترونیکی (داده‌پیام) صادر می‌شوند نیز لازم‌الاجرایه است. بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، اقدامات لازم در خصوص چک‌های الکترونیکی (داده‌پیام) را انجام داده و دستورالعمل‌های لازم را صادر نماید.

ماده ۲ - چک‌های صادر عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند همچنین شعب آن‌ها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید. برای صدور اجرائیه دارنده چک باید عین چک و گواهی‌نامه مذکور در ماده ۳ و یا گواهی‌نامه مندرج در ماده ۴ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید.

اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

دارنده چک اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت‌نویسی شده یا حامل چک (در مورد چک‌های در وجه حامل) یا قائم‌مقام قانونی آنان.^{۳۴۶}

تبصره (الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰) - دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید.^{۳۴۷} در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.

^{۳۴۳} هم اسکودا و هم مرکز وکلای قوه قضائیه، «قانون صدور چک» را ذیل منابع درس حقوق جزا نیز ذکر کرده‌اند.

^{۳۴۴} با الحاق این ماده به‌موجب «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی به عنوان ماده ۱ به قانون صدور چک، ماده ۱ سابق به ماده ۲ و شماره مواد بعدی به همین ترتیب تغییر کرده است.

^{۳۴۵} «رای وحدت رویه شماره ۶۸۸ - ۱۳۸۵/۳/۲۳ ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۱۶۱ ببینید.

^{۳۴۶} «رای وحدت رویه شماره ۸۷۲ - ۱۴۰۴/۹/۱۱ ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۲۱۳ ببینید.

^{۳۴۷} «رای وحدت رویه شماره ۸۱۲ - ۱۴۰۰/۴/۱ ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۲۱۳ ببینید.

قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور

مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

ماده ۱- دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌ها و پارک‌های علم و فناوری که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی کشور، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آن‌ها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیئت امنا که حسب مورد به تأیید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستان‌ها به تأیید رئیس‌جمهور و در مورد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی وابسته به نیروهای مسلح به تأیید رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می‌رسد، عمل می‌کنند. ^{۳۷۸}

تبصره ۱- اعتبارات اختصاص‌یافته از منابع عمومی دولت به این مراکز و مؤسسات، کمک تلقی و بعد از پرداخت، به هزینه قطعی منظور می‌شود و بر اساس بودجه تفصیلی مصوب هیئت امنا و با مسئولیت آن‌ها قابل هزینه است.

تبصره ۲- هرگونه استخدام جدید از محل منابع عمومی و توسعه تشکیلات اداری منوط به تأیید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (حسب مورد) و سازمان اداری و استخدامی کشور است.

تبصره ۳- هیئت امنا بر اساس ماده (۱۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ نمی‌تواند علاوه بر آنچه که از محل منابع عمومی و درآمدهای اختصاصی برای دانشگاه‌ها و مراکز مزبور پادار می‌شود تعهد جدیدی برای سال تصمیم‌گیری و سال‌های بعد مصوب کند.

تبصره ۴- صندوق‌های رفاه دانشجویان مشمول این ماده و تبصره‌های آن می‌شوند.

تبصره ۵- هرگونه اصلاح ساختار و مقررات مالی، اداری، معاملاتی، استخدامی و تشکیلاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی فقط مشمول این ماده و تبصره‌های آن است.

تبصره ۶- دولت موظف است برای مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و دانشمندان کشور در همایش‌ها و مجامع علمی و پژوهشی بین‌المللی و برتر جهان و بهره‌گیری از توانمندی‌های دانشمندان و نخبگان ایران در جهان و فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی مناسب در داخل و خارج کشور ساز و کار لازم را ایجاد نماید.

تبصره ۷- به‌منظور گسترش و ارتقای کیفیت و اثربخشی آموزش عالی و مهارت‌آموزی، دولت موظف است نسبت به تحقق موارد زیر اقدام کند:

۳۷۸. الف- بند (الف) ماده ۹۹ قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳/۳/۱: «پرداخت اعتباراتی که از محل منابع عمومی و در قالب بودجه‌های سنواری به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی موضوع ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور اختصاص می‌یابد، بر اساس شاخص‌های هر یک از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و موافقتنامه متبادله میان سازمان و دانشگاه‌ها و مؤسسات ذی‌ربط می‌باشد. انطباق هزینه‌کرد با شاخص‌های پاداشده بر عهده رئیس مؤسسه یا دانشگاه می‌باشد. ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور بر مواد این قانون حاکم است.»

ب- بند (ج) تبصره ۱ قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور مصوب ۱۴۰۲/۱۲/۲۱: «مهلت واگذاری اوراق مالی اسلامی غیرتقدی (تحویل به طلبکاران) منتشرشده در سال ۱۴۰۳، برای تمامی دستگاه‌های اجرائی از جمله دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰، تابع مواد (۶۳) و (۶۴) قانون محاسبات عمومی کشور با اصلاحات و الحاقات

است.»

بخش چهارم
حقوق جزا

قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

کتاب اول - کلیات

بخش اول - مواد عمومی

فصل اول - تعاریف

ماده ۱- قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرایم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آن‌ها است.

ماده ۲- هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.^{۳۹۴}

فصل دوم - قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان

ماده ۳- قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴- هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.

ماده ۵- هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر یا جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند:

الف - اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران.

ب - جعل مهر، امضا، حکم، فرمان یا دست خط مقام رهبری یا استفاده از آن.

پ - جعل مهر، امضا، حکم، فرمان یا دست خط رسمی رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آن‌ها.

ت - جعل آرای مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آن‌ها.

ث - جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.

ماده ۶- به جرایم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت

^{۳۹۴} رأی وحدت رویه شماره ۸۶۷ - ۱۴۰۴/۵/۲۸ ه.ع.د.ک: «طبق اصل سی و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حکم به مجازات و اجرای آن از سوی دادگاه در صورتی امکان پذیر است که به موجب قانون، رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل، جرم انگاری و تعیین مجازات شده باشد. آنچه که بر اساس ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، جرم انگاری و برای آن مجازات تعیین شده است، تیراندازی عمدی در حین خدمت یا مأموریت برخلاف مقررات و ضوابط از سوی فرد نظامی است. علی هذا شلیک سهوی تیر توسط فرد نظامی، با توجه به تفسیر مضیق قوانین جزایی و به نفع متهم و وصف مجرمانه نداشته و صرفاً مرتکب از باب مسئولیت مدنی، ضامن جبران خسارات وارده خواهد بود.»

ح- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری

خ- انتخاب شدن به سمت قیّم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام

د- انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی

ذ- استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری

ر- تاسیس، اداره یا عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتنی یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی

تبصره ۱- مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند.

تبصره ۲- هرکس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده (۲۵) این قانون اعاده حیثیت می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می‌گردد مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از حقوق مزبور به طور دائمی محروم می‌شود.

فصل سوم- نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها

ماده ۲۷ (اصلاحی ۱۳۹۸/۱۱/۲۰)- مدت حبس از روزی آغاز می‌شود که محکوم، به موجب حکم قطعی لازم الاجرا حبس می‌گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می‌شود. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا دو میلیون و پانصد هزار میلیون (۲/۵۰۰/۰۰۰) ریال^{۴۰۵} است. چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می‌گردد.^{۴۰۶}

ماده ۲۸ (اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳)- کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از تاریخ تصویب آن‌ها در مورد تمام جرایم و تخلفات از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود، لازم الاجرا می‌گردد.^{۴۰۷}

ماده ۲۹- هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود که از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند.

ماده ۳۰- منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است مشروط به این که جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید.

۴۰۵. مصوبه ۱۴۰۵/۲/۱۴ هیئت وزیران: «مبالغ مندرج در ماده (۲۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند (ب) ماده (۵۲۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره یک آن، از تاریخ اتمام مدت سه سال تصویب نامه شماره ۶۱۰۱۲/ت/۲۳۱۸۵۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۴ از مبلغ دو میلیون و پانصد هزار (۲/۵۰۰/۰۰۰) ریال به مبلغ ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تعدیل می‌شود.»

۴۰۶. رأی وحدت رویه شماره ۶۵۴ - ۱۳۸۰/۷/۱۰ ع.د.ع.ک: «به موجب تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی [منسوخ] دادگاه مکلف است که ایام بازداشت قبلی محکوم علیه در پرونده مورد حکم را از مجازات‌های تعزیری و یا بازدارنده کسر نماید و چون حبس و جزای نقدی هر دو یک نوع و از مجازات‌های تعزیری و بازدارنده می‌باشند و عدم محاسبه و مرعی نداشتن ایام بازداشت قبلی برخلاف حقوق و آزادی‌های فردی است علی‌هذا به حکم تبصره مذکور کسر مدت بازداشت از محکومیت جزای نقدی و احتساب تبدیل آن به جزای نقدی قانونی است.»

۴۰۷. هیئت وزیران آخرین بار طی تصویب نامه مورخ ۱۴۰۳/۳/۳۰ مبالغ جزای نقدی را تعدیل کرده است. در این کتاب همه متن مواد، بر اساس تعدیل مذکور درج شده‌اند.

کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده

مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

فصل اول - جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور

ماده ۴۹۸- هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.

ماده ۴۹۹- هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.

ماده ۴۹۹ مکرر (الحاقی ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)- هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)- منظور از توهین موارد مندرج در «قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴»^{۴۵۴} می‌باشد.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)- چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان‌یافته ارتکاب یابد و یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می‌شود.

ماده ۵۰۰- هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۰ مکرر (الحاقی ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)- هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعیین می‌شود:

۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافعی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد.

۲- هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم‌السلام).

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)- تأمین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از

۴۵۴. «قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی...» مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴ را در زیر
۴۵۵ ببینید.

فصل جرایم رایانه‌ای

قانون جرایم رایانه‌ای^{۵۰۲}

مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

بخش یکم- جرایم و مجازات‌ها

فصل یکم- جرایم علیه محرمانگی داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی

مبحث یکم- دسترسی غیرمجاز

ماده ۷۲۹ (ماده ۱ ق.ج.رایانه‌ای)- هر کس به طور غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از ۶۶/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۶۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال^{۵۰۳} یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث دوم- شنود غیرمجاز

ماده ۷۳۰ (ماده ۲ ق.ج.رایانه‌ای)- هر کس به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ تا ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث سوم- جاسوسی رایانه‌ای

ماده ۷۳۱ (ماده ۳ ق.ج.رایانه‌ای)- هرکس به طور غیرمجاز نسبت به داده‌های سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازات‌های مقرر محکوم خواهد شد:

الف) دسترسی به داده‌های مذکور یا تحصیل آن‌ها یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا هر دو مجازات.

ب) در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال.

ج) افشا یا در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آن‌ها، به حبس از پنج تا پانزده سال.

تبصره ۱- داده‌های سری داده‌هایی است که افشای آن‌ها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می‌زند.

^{۵۰۲} الف- «قانون جرایم رایانه‌ای» در ۵۶ ماده و در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در ماده ۵۵ این قانون مقرر شده است که: «شماره مواد ۱ تا ۵۴ این قانون به عنوان مواد ۷۲۹ تا ۷۸۹ ق.م.ا (بخش تعزیرات) با عنوان فصل جرایم رایانه‌ای منظور و شماره ماده ۷۲۹ ق.م.ا به شماره (۷۸۳) اصلاح گردد»، بنا بر این عنوان دقیق آن «فصل جرائم رایانه‌ای از کتاب پنجم - تعزیرات قانون مجازات اسلامی» است.

در این کتاب علاوه بر ذکر شماره مواد «فصل جرایم رایانه‌ای» طبق ترتیب مقرر قانون، شماره مواد «قانون جرایم رایانه‌ای» هم داخل پراکنش ذکر شده است.

ب- در فهرست منابع اعلام شده از سوی مرکز وکلای قوه قضائیه، به عنوان «قانون جرایم رایانه‌ای» تصریح نشده است، ولی چون کتاب‌های اول تا پنجم «قانون مجازات اسلامی» به عنوان منبع ذکر شده‌اند و بنا بر توضیح بند (الف) همین زیرنویس، قانون جرایم رایانه‌ای، از لحاظ تنقیحی فصلی از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است، باید آن را داخل در منابع آزمون مرکز وکلای قوه قضائیه در نظر گرفت.

^{۵۰۳} مبالغ جزای نقدی مندرج در «قانون جرایم رایانه‌ای» در اجرای ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ طی تصویب مورخ ۱۴۰۳/۳/۳۰ هیئت وزیران تعدیل شده و مبالغ تعدیل شده در متن مواد در این قانون درج شده‌اند.

بخش پنجم

آیین دادرسی

کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی

بخش اول - کلیات

فصل اول - تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن

ماده ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به رأی، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

ماده ۲- دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

ماده ۳- مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

ماده ۴- اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

ماده ۵- متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

ماده ۶- متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تامین این حقوق فراهم شود.

ماده ۷ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵»^{۵۳۹} از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

فصل دوم - دعوای عمومی و دعوای خصوصی

ماده ۸- محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف - حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی

ب - حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

ماده ۹- ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود:

الف - دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی

^{۵۳۹} «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ را در صفحه ۸۷۳ ببینید.

تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح می باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.

ماده ۳۰۸- رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان ها، شرکت ها و مؤسسه های دولتی و نهادها و مؤسسه های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه ها، سازمان ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه های عمومی غیردولتی استان ها و شهرستان ها، رؤسای دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

ماده ۳۰۹- صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرایم اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون، اعم از آن است که در زمان تصدی سمت های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.

ماده ۳۱۰- متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شود.^{۵۷۱} اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می گیرد که مهم ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرایم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آن ها رسیدگی می کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدا تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد.^{۵۷۲}

ماده ۳۱۱- شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر اینکه

۵۷۱. الف- رأی وحدت رویه شماره ۸۰۰ - ۱۳۹۹/۷/۲۲ ه.ع.د.ع.ک: «عضوگیری» در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضای موضوع بند «ز» (الحاقی ۱۳۸۴/۱۰/۱۴) ماده ۱ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، رفتاری مستقل از «تأسیس» یا «قبول نمایندگی» مذکور در همان بند است. بنابراین و با عنایت به ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، رسیدگی به اتهام شخص عضوگیر، علی الاصول در صلاحیت دادگاهی است که عضوگیری در حوزه آن واقع شده است.»

ب- رأی وحدت رویه شماره ۷۲۱ - ۱۳۹۰/۴/۲۱ ه.ع.د.ع.ک: «وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاه های مخابراتی دیگر -موضوع ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی- منوط به آن است که نتیجه آن که مقصود مرتکب است محقق گردد، بنابراین در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضائی شروع و نتیجه آن در حوزه قضائی دیگر حاصل شود، محل حدوث نتیجه مزور، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز همین امر خواهد بود.»

پ- «رأی وحدت رویه شماره ۶۶۹ - ۱۳۸۳/۷/۲۱ ه.ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۳۵۰ ببینید.

۵۷۲. الف- «رأی وحدت رویه شماره ۸۶۸ - ۱۴۰۴/۵/۲۸ ه.ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۵۲۷ ببینید.

ب- «رأی وحدت رویه شماره ۸۶۴ - ۱۴۰۴/۳/۲۰ ه.ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۱۵۹ ببینید.

پ- «رأی وحدت رویه شماره ۸۵۳ - ۱۴۰۳/۷/۱۷ ه.ع.د.ع.ک» را در زیرنویس ۵۰۹ ببینید.

ت- رأی وحدت رویه شماره ۷۷۵ - ۱۳۹۸/۱/۲۷ ه.ع.د.ع.ک: «با توجه به ملاک ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری و بر حسب مستفاد از تبصره (الحاقی ۱۳۸۴) ماده ۴۰ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران رای هیئت عالی انتظامی نظام پزشکی قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان محل وقوع تخلف است و استقرار هیئت های عالی انتظامی در سازمان مرکزی نظام پزشکی نافی صلاحیت دادگاه مورد اشاره نیست. همچنان که در ماده ۱۰۵ آیین رسیدگی دادرها و هیئت های انتظامی سازمان نظام پزشکی جمهوری ایران مصوب سال ۱۳۹۰ شورای عالی نظام پزشکی این امر تصریح گردیده است.»

بخش هشتم

حقوق اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۶۱۴}

مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ با اصلاحات و الحاقات تا ۱۳۶۸/۵/۶

بسم الله الرحمن الرحيم

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آنست، ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش ها به سرعت به رکود کشانده شد از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی قدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می باشد).

طلیعه نهضت

اعتراض در هم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خرداد ماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفائی این قیام شکوهمند و گسترده بود مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی رغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و به ویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند.

در این میان قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه های علمیه و دانشگاه به روشنگری پرداخت و با الهام از مکتب انقلابی و پر بار اسلام تلاش پیگیر و ثمر بخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون های پر خروش انقلاب آغاز نموده بود به مذبحخانه ترین اقدامات دمدنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم، دست زد و در این میان جوخه های اعدام، شکنجه های قرون وسطایی و زندان های درازمدت، بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و باایمان که سحرگهان در میدان های تیر فریاد «الله اکبر» سر می دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله های دشمن قرار می گرفتند انقلاب اسلامی ایران را تداوم بخشید، بیانیه ها و پیام های پی در پی امام به مناسبت های مختلف، آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزون تر داد.

۶۱۴. در اعلام مرکز وکلای قوه قضائیه بر نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان راجع به اصول قانون اساسی تاکید شده است. این کتاب نظریات شورای نگهبان به صورت زیرنویس ذیل اصول مربوطه آمده اند.

اصل هفتاد و دوم

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

اصل هفتاد و سوم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند نیست.^{۶۳۸}

اصل هفتاد و چهارم

لوايح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.^{۶۳۹}

اصل هفتاد و پنجم

طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوايح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.^{۶۴۰}

۶۳۸. الف- نظر تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۵۴۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۰ شورای نگهبان: «همانطوری که در نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ آمده است که تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم الاجراء است با این قید که به موارد مختومه تسری نمی‌یابد. بنابراین چنانکه تا هنگام لازم الاجراء شدن تفسیر قانون، موضوعی مختومه نشده باشد باید مطابق نظریه تفسیری اقدام گردد.»
ب- نظر تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان: «۱- مقصود از تفسیر بیان مراد مقنن است بنابراین تضییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود.

۲- تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم الاجراءست بنابراین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجرا گذاشته‌اند تفسیر قانون به موارد مختومه مذکور تسری نمی‌یابد.»
۶۳۹. الف- نظر تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان را در زیرنویس اصل ۱۵۸ ببینید.

ب- نظر تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۱۵۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ شورای نگهبان را در زیرنویس اصل ۵۲ ببینید.

۶۴۰. الف- نظر تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی»، به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل ۷۵ قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.

۲- در مورد بند یک سؤال دوم یعنی «معلوم نشدن طریق کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید»، با توجه به اینکه اصل طرح یا پیشنهاد به صراحت اصل ۷۵ قانون اساسی قابل طرح در مجلس نبوده، بنابراین قابل ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نمی‌باشد. در خصوص سایر موارد، این شورا به نظر تفسیری نرسید.»

ب- نظر تفسیری شماره ۸۵/۳۰/۱۵۸۸۱ مورخ ۱۳۸۵/۴/۱ شورای نگهبان: «اصل هفتاد و پنج قانون اساسی شامل هر طرحی که طبق قانون به مجلس ارائه گردد و بار مالی داشته باشد می‌شود.»

پ- نظر تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۵۲۵۴ مورخ ۱۳۷۸/۶/۲۱ شورای نگهبان: «استظهار شورا از طرح تقسیم استان خراسان الزام دولت به کارشناسی بوده است وگرنه طرحی که دولت را ملزم کند تا استان خراسان را به چند استان تقسیم نماید خلاف اصل هفتاد و پنج ۷۵ قانون اساسی است.»

ت- نظر مشورتی شماره ۱۴۳۳ مورخ ۱۳۶۷/۷/۵ شورای نگهبان: «تعیین طریق جبران کاهش و یا تأمین هزینه برای قابلیت یافتن طرح در مجلس شورای اسلامی لازم است.»

ث- نظر مشورتی شماره ۵۵۹۹ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۷ شورای نگهبان: «اصل ۷۵ قانون اساسی ناظر به پیشنهادهای نمایندگان در بودجه نمی‌باشد»

بخش هفتم
حقوق ثبت

قانون ثبت اسناد و املاک

مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ با اصلاحات بعدی

باب اول - تشکیلات اداری ثبت

ماده ۱- در هر حوزه ابتدائی به اقتضای اهمیت محل یک اداره یا دایره ثبت اسناد و املاک تأسیس می شود ممکن است هر اداره یا دایره ثبت دارای شعبی باشد.^{۷۰۰}

ماده ۲- مدیران و نمایندگان ثبت و مسئولین دفاتر و صاحبان دفاتر اسناد رسمی جز در محل مأموریت خود نمی توانند انجام وظیفه نمایند.

اقدامات آن ها در خارج از آن محل اثر قانونی ندارد.

ماده ۳- در هر اداره یا دایره ثبت به تناسب توسعه آن یک یا چند نفر محقق ثبت برای رفع اختلافات و اعتراضات ناشی از تقاضای ثبت املاک معین خواهد شد.^{۷۰۱}

ماده ۴- انتخاب محققین ثبت از بین مستخدمین وزارت عدلیه مطابق نظامنامه که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود به عمل می آید.^{۷۰۲}

ماده ۵- حدود صلاحیت و طرز رسیدگی محققین ثبت به موجب نظامنامه معین خواهد شد در مواردی که رأی محقق ثبت قابل استیناف است محکمه بدایت مرجع استینافی خواهد بود رسیدگی تمیزی حکم محکمه بدایت مطابق قوانین عمومی در محکمه استیناف به عمل خواهد آمد.^{۷۰۳}

ماده ۶ (اصلاحی ۱۳۵۱/۱۰/۱۸) - برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقر هر دادگاه استان هیئتی به نام هیئت نظارت مرکب از رئیس ثبت استان یا قائم مقام او و دو نفر از قضات دادگاه استان^{۷۰۴} به انتخاب وزیر دادگستری^{۷۰۵} تشکیل می شود.

هیئت مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضائی استان رسیدگی می نماید.

برای این هیئت یک عضو علی البدل از قضات دادگستری یا کارمندان ثبت مرکز استان از طرف وزیر دادگستری تعیین خواهد شد.

ماده ۷- دفاتر لازم برای ثبت اسناد و املاک و عده و نوع و ترتیب آن ها مطابق نظامنامه که از طرف وزارت عدلیه^{۷۰۶} تنظیم می شود معین خواهد شد.

ماده ۸- مراجعه به دفاتر املاک برای اشخاص ذی نفع مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه^{۷۰۷} جایز است.

^{۷۰۰} به موجب قانون تبدیل اداره کل ثبت اسناد و املاک به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مصوب ۱۳۵۲، اداره کل ثبت به سازمان ثبت تغییر پیدا کرده است.

^{۷۰۱} با توجه به اینکه در حال حاضر در تشکیلات ثبت «محقق ثبت» وجود ندارد، این ماده ملغی به نظر می رسد.

^{۷۰۲} با توجه به اینکه در حال حاضر در تشکیلات ثبت «محقق ثبت» وجود ندارد، این ماده ملغی به نظر می رسد.

^{۷۰۳} با توجه به اینکه در حال حاضر در تشکیلات ثبت «محقق ثبت» وجود ندارد، این ماده ملغی به نظر می رسد.

^{۷۰۴} در حال حاضر دادگاه تجدیدنظر استان

^{۷۰۵} در حال حاضر به انتخاب رئیس قوه قضائیه

^{۷۰۶} در حال حاضر قوه قضائیه

^{۷۰۷} در حال حاضر قوه قضائیه

قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن^{۷۳۹}

مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲ مجلس شورای اسلامی

ماده ۱- به منظور صدور سند مالکیت املاک واقع در محدوده روستاهای بالای بیست خانوار و شهرهای زیر بیست و پنج هزار نفر جمعیت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (در روستاها) و وزارت راه و شهرسازی (در شهرها) حسب مورد موظفند برای روستاها و نیز شهرهای مذکور، نقشه کلی و همچنین به نمایندگی از طرف اشخاصی که تصرفات مالکانه دارند، نقشه تفکیکی وضع موجود را منطبق بر وضعیت ثبتی آن تهیه و به اداره ثبت اسناد و املاک محل ارسال نمایند. نقشه‌های مزبور که برای املاک واقع در محدوده روستاها و شهرها تهیه شده نیاز به تأیید سایر مراجع ندارد و ادارات ثبت اسناد و املاک بر اساس آن به شرح زیر اقدام می‌نمایند. محدوده شهر و روستا بر اساس قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴^{۷۴۰} تعیین می‌گردد.

۱- در صورتی که محدوده مورد عمل قبلاً تحدید حدود شده باشد، پس از کنترل نقشه و تطبیق آن با محل با توجه به مدارک متصرفین، صورت جلسه تفکیکی حاوی حدود قطعات و مشخصات متصرفین توسط نماینده و نقشه‌بردار ثبت، تنظیم و به امضاء آنان و نمایندگان بنیاد مسکن یا وزارت راه و شهرسازی حسب مورد می‌رسد تا بر اساس آن به نام متصرفین که دارای مدارک دال بر مالکیت می‌باشند سند مالکیت صادر و تسلیم گردد.

۷۳۹. در فهرست منابع اعلام شده از سوی مرکز وکلای قوه قضائیه فقط عنوان «قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن» مصوب ۱۳۸۷ ذکر شده است، با این حال از آنجا که هم عنوان «قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن» مصوب ۱۳۸۸ مرتبط با قانون مزبور است و هم اینکه احکام مرتبط و مهم‌تری در زمینه حقوق ثبت دارد، این قانون نیز به کتاب افزوده شده است.

۷۴۰. از قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴:

ماده ۱- محدوده شهر عبارت است از حد کالبدی موجود شهر و توسعه آتی در دوره طرح جامع و تا تهیه طرح مذکور در طرح هادی شهر که ضوابط و مقررات شهر سازی در آن لازم الاجراء می‌باشد.

شهرداری‌ها علاوه بر اجرای طرح‌های عمرانی از جمله احداث و توسعه معابر و تأمین خدمات شهری و تأسیسات زیربنایی در چارچوب وظایف قانونی خود کنترل و نظارت بر احداث هرگونه ساختمان و تأسیسات و سایر اقدامات مربوط به توسعه و عمران در داخل محدوده شهر را نیز به عهده دارند.

ماده ۳- محدوده روستا عبارت است از محدوده‌ای شامل بافت موجود روستا و گسترش آتی آن در دوره طرح هادی روستایی که با رعایت مصوبات طرح‌های بالادست تهیه و به تصویب مرجع قانونی مربوط می‌رسد. دهیاری‌ها کنترل و نظارت بر احداث هرگونه ساخت و ساز در داخل محدوده را عهده دار خواهند بود.

تبصره ۱- روستاهایی که در حریم شهرها واقع می‌شوند مطابق طرح هادی روستایی دارای محدوده و حریم مستقل بوده و شهرداری شهر مجاور حق دخالت در ساخت و ساز و سایر امور روستا را ندارد.

تبصره ۲- روستاهایی که به موجب طرح‌های مصوب جامع و هادی در داخل حریم شهرها واقع می‌شوند در صورت رسیدن به شرایط شهر شدن، شهر مستقل شناخته نشده و به صورت منفصل به عنوان یک ناحیه یا منطقه از نواحی یا مناطق شهر اصلی تلقی و اداره خواهند شد و برای آنها در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی ضوابط و مقررات ویژه متضمن امکان استمرار فعالیت‌های روستایی تهیه و ملاک عمل قرار خواهد گرفت.

تبصره ۳- محدوده روستاهای فاقد طرح هادی، با هماهنگی شورای اسلامی روستا توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در قالب بافت مسکونی روستا پیشنهاد گردیده و به تصویب مراجع قانونی مربوطه در استان می‌رسد.

تبصره ۴- درآمد ناشی از ساخت و سازها و عوارض روستاهایی که در حریم شهرها قرار می‌گیرند اعم از روستاهای دارای طرح هادی و فاقد طرح هادی، به حساب دهیاری‌های روستا جهت توسعه و عمران واریز می‌گردد.

تبصره ۵- در هر محدوده و یا حریمی که شهرداری عوارض ساختمانی و غیره را دریافت می‌نماید موظف به ارائه کلیه خدمات می‌باشد.

آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی

مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ رئیس قوه قضائیه با اصلاحات بعدی

فصل اول- تعاریف

ماده ۱- واژه ها و اصطلاحات به کار برده شده در این آیین نامه به شرح ذیل تعریف می شود:

الف- سند لازم الاجرا

سند رسمی یا عادی که بدون صدور حکم از دادگاه قابل صدور اجرائیه برای اجراء مدلول سند باشد مانند سند رسمی طلب و چک.

ب- سند ذمه

سند حاکی از تعهد مدیون به پرداخت وجه نقد یا پرداخت جنس یا تعهد به فعل معین که در اصطلاحات ثبتی در معنی مقابل اسناد مربوط به معاملات با حق استرداد به کار می رود.

ج- سند وثیقه

سندی است که دلالت بر عقد رهن یا معامله با حق استرداد یا بیع شرط کند که به موجب آن شخصی (اعم از اینکه مدیون باشد یا نه) عین مال منقول یا غیر منقول خود را وثیقه انجام عملی قرار دهد، خواه آن عمل، رد طلب باشد یا عمل دیگر.

چ- دستور اجرا

یعنی دستور به اجرای سند رسمی (و یا در حکم سند رسمی مانند چک) که حسب مورد توسط مراجع صالح ثبت یا سردفتر تنظیم کننده سند صادر می شود.

ح- سند انتقال اجرائی

بعد از مزایده مال مورد مزایده به موجب سند رسمی به برنده مزایده یا بستانکار منتقل می شود، آن سند را سند انتقال اجرائی می نامند.

خ- بازداشت

توقیف کردن اموال جهت اجرای مفاد سند.

د- حافظ

کسی که ادارات اجراء اسناد رسمی مال توقیف شده را نزد او به امانت گذارند تا حفظ و نگهداری کند.

ذ- صورت جلسه

سندی است که مقامی رسمی در جریان اجرای مفاد سند، عملی را در آن ثبت می کند.

ر- کارشناس رسمی

کسی که به مناسب خبره بودن در فنی می تواند در مسائل مربوط به فن خود به عنوان صاحب نظر اظهار نظر کند و از مراجع ذی صلاح پروانه برای این کار داشته باشد.

فصل دهم- در مزایده^{۷۴۴}

ماده ۱۲۱- در اجرای اسناد ذمه‌ای یا وثیقه پس از ارزیابی مال و قطعیت آن با رعایت نکات ذیل آگهی مزایده منتشر می‌گردد:

الف- آگهی مزایده اموال غیرمنقول

در آگهی مزایده اموال غیرمنقول نکات زیر تصریح می‌شود:

- ۱- نام و نام خانوادگی مالک.
- ۲- محل و حدود و مقدار و توصیف اجمالی ملک.
- ۳- هرگاه واگذاری منافع در اسناد وثیقه مستند به سند رسمی و در اسناد ذمه‌ای مستند به سند رسمی یا عادی باشد خواه مدت آن منقضی شده یا نشده باشد مراتب با ذکر مال الاجاره و آخر مدت اجاره در آگهی مزایده منتشره در روزنامه و آگهی‌های الصاقی قید می‌گردد.
- ۴- تعیین اینکه مورد مزایده مشاع است یا مفروز.
- ۵- تعیین اینکه ملک ثبت شده است یا نه.
- ۶- اشاره به اینکه پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آن‌ها باشد و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است.
- ۷- روز و محل و ساعت شروع و ختم مزایده.
- ۸- قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود.

ب- آگهی مزایده اموال منقول

در آگهی مزایده اموال منقول نکات زیر تصریح می‌شود:

- ۱- نوع اموال مورد مزایده و توصیف اجمالی آن.
 - ۲- روز و محل و ساعت شروع و ختم مزایده.
 - ۳- قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود.
- ماده ۱۲۲** (اصلاحی ۱۳۹۸/۱۲/۶)- آگهی مزایده در یک نوبت در سایت آگهی‌های سازمان ثبت و یکی از روزنامه‌های الکترونیکی کثیرالانتشار به تشخیص سازمان منتشر و نسخه‌ای از آن تهیه و در محل وقوع مال و محل مزایده و تابلو اعلانات اداره ثبت اسناد محل الصاق می‌شود. فاصله بین انتشار آگهی در سایت سازمان تا روز مزایده نباید کمتر از ۱۰ روز و بیشتر از ۲۰ روز باشد. به محض انتشار آگهی مزایده در سایت، نسخه‌ای از آگهی مزایده صرفاً جهت اطلاع به متعهد و متعهدله ابلاغ می‌شود.

۷۴۴. بند (الف) ماده ۱۰۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳: «مزایده‌های شعب اجرای احکام، دوایر اجرای ثبت و تصفیه امور ورشکستگی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار کند. وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است امکان برگزاری این مزایده‌ها را در این سامانه فراهم سازد. مزایده کلیه اموال به‌جز اموال فاسدشدنی موضوع ماده (۶۶) قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ باید از طریق این سامانه انجام شود و نیازی به فروش مال در محل موضوع مواد (۱۱۵) و (۱۱۶) قانون مذکور نیست. اشخاص برای شرکت در مزایده و ارائه پیشنهاد قیمت باید ده درصد (۱۰٪) قیمت مقرر در مواد (۷۳) تا (۷۵) قانون مذکور را به‌عنوان تضمین نقدی شرکت در مزایده به حسابی که از طریق سامانه مشخص شده تسلیم نمایند. در این صورت نیازی به پرداخت ده درصد (۱۰٪) بپای موضوع ماده (۱۲۹) قانون مذکور نیست و در صورتی که برنده مزایده در موعد مقرر بقیه بپای اموال را نپردازد، تضمین او به نفع دولت ضبط و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود. دستورالعمل نحوه استفاده از تضمین بپای تضمین نقدی و همچنین میزان و چگونگی اخذ و آزادسازی این تضمین ظرف سه‌ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌تصویب قوه قضائیه می‌رسد. ...»

قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول

مصوب ۱۴۰۱/۹/۶ مجلس شورای اسلامی

موافقت مورخ ۱۴۰۳/۲/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده ۱- یک سال پس از راه اندازی رسمی «سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی» موضوع ماده (۱۰) این قانون، هر عمل حقوقی اعم از عقد و ایقاع که موضوع یا نتیجه آن انتقال مالکیت عین یا انتقال حق انتفاع (اعم از عمری یا رقبی برای مدت بیش از دو سال) یا انتقال حق ارتفاق اموال غیرمنقول باشد و وقف و نیز انعقاد عقد رهن در خصوص آن‌ها و انعقاد عقود مفید انتقال منافع اموال مذکور برای مدت بیش از دو سال و اجاره به شرط تملیک و هر نوع پیش فروش ساختمان اعم از اینکه به صورت سهمی از کل عرصه و یا اعیان باشد و تعهد به انجام کلیه اعمال حقوقی مذکور، باید در سامانه ثبت الکترونیک اسناد به ثبت برسد، در غیر این صورت دعوای راجع به اعمال حقوقی مذکور که ثبت نشده باشد و ادله راجع به آن‌ها، در بخشی که مفید موارد مذکور است، نزد مراجع قضائی، شبه قضائی و دآوری قابل استماع نبوده و فاقد اعتبار است و جز دعوای استرداد عوضین، هیچ شکایت کیفری یا دعوای حقوقی یا تقاضایی در خصوص آن عمل حقوقی و اسناد مربوط به آن از قبیل شکایت انتقال مال غیر، دعوای اثبات یا تنفیذ معامله، ابطال سند رسمی مالکیت، الزام به تنظیم سند رسمی، خلع ید، تخلیه ید و الزام به اجرای تعهدات مندرج در آن در مراجع مذکور مسموع نیست. همچنین اسناد ثبت نشده راجع به اعمال حقوقی مذکور در هیچ یک از دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴^{۷۴۶} پذیرفته نمی‌شود و در مراجع قضائی و اداری مذکور فقط شخصی مالک ملک، شناخته می‌شود که در دفتر املاک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که از این پس در این قانون «سازمان» نامیده می‌شود، ملک به نام او به ثبت رسیده یا از مالک رسمی به ارث برده باشد.

تبصره ۱- دعوای تنفیذ فسخ معاملات ثبت شده اموال غیرمنقول، در مواردی که ثبت فسخ مستلزم رأی مرجع قضائی یا دآوری است، مشروط بر اینکه ظرف پانزده روز پس از اعمال حق فسخ، اظهارنامه رسمی ارسال و ظرف پانزده روز بعد از آن نسبت به طرح دعوای تنفیذ فسخ اقدام شود، مسموع است هر چند فسخ ثبت نشده باشد.

سامانه ثبت الکترونیک اسناد باید به گونه‌ای طراحی گردد که اگر طرفین قرارداد شرط کنند منتقل‌الیه تا پایان مهلت اعمال حق فسخ یا موعد پرداخت ثمن و یا تا موعد دیگری که مورد توافق طرفین بوده حق انجام اعمال حقوقی موضوع این ماده را ندارد، امکان انتقال مورد معامله، در مهلت تعیین شده فراهم نباشد.

در هر حال چنانچه منتقل‌الیه، مورد معامله را قبل از ثبت فسخ یا انفساخ به شخص ثالثی به صورت رسمی منتقل کرده باشد و در عمل حقوقی بعدی، وی حق فسخ نداشته باشد و یا معامله، اقاله نشده باشد، این انتقال در حکم تلف مورد معامله بوده و اعمال حق فسخ یا انفساخ موجب انحلال قرارداد بعدی نیست که در این صورت دارنده حق فسخ مزبور به قیمت روز مال غیرمنقول، به منتقل‌الیه مذکور رجوع خواهد کرد.

چنانچه منتقل‌الیه حق فسخ داشته باشد یا به هر نحو عین مال به ملکیت وی درآمده باشد، عین مال به انتقال دهنده اول (دارنده حق فسخ) مسترد می‌گردد.

تبصره ۲- میزان مالیات، حق الثبت و حق التحریر بر تنظیم وکالت بلاعزل انتقال مالکیت در خصوص اموال غیرمنقول موضوع این ماده در دفاتر اسناد رسمی معادل تنظیم سند رسمی انتقال ملک است و چنانچه ظرف نه ماه از تاریخ تنظیم

فهرست آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

۸۴	• رای وحدت رویه شماره ۱ - ۱۳۶۳/۱/۲۹ ه.ع.د.ع.ک
۷۷۵	• رای وحدت رویه شماره ۱۰ - ۱۳۶۲/۳/۲۳ ه.ع.د.ع.ک
۹۹۳,۹۴۱,۳۷۸	• رای وحدت رویه شماره ۱۲ - ۱۳۴۱/۷/۱۱ ه.ع.د.ع.ک
۲۶۲	• رای وحدت رویه شماره ۱۵۴۲ - ۱۳۳۶/۸/۸ ه.ع.د.ع.ک
۴۰۲,۳۹۴,۲۷۷,۵۷	• رای وحدت رویه شماره ۱۵۵ - ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ ه.ع.د.ع.ک
۸۵۳	• رأی وحدت رویه شماره ۱۶۰۴ - ۱۳۳۷/۳/۲۵ ه.ع.د.ع.ک
۲۶۲	• رای وحدت رویه شماره ۱۸۵۵ - ۱۳۳۵/۹/۵ ه.ع.د.ع.ک
۹۷,۹۴	• رای وحدت رویه شماره ۲ - ۱۳۶۰/۱/۲۹ ه.ع.د.ع.ک
۸۰	• رای وحدت رویه شماره ۲۲۴ - ۱۳۲۳/۷/۸ ه.ع.د.ع.ک
۸۰	• رای وحدت رویه شماره ۲۲۴ - ۱۳۴۹/۷/۸ ه.ع.د.ع.ک
۲۵۶	• رای وحدت رویه شماره ۲۳ - ۱۳۶۰/۴/۶ ه.ع.د.ع.ک
۱۶۲	• رای وحدت رویه شماره ۲۴۶۷ - ۱۳۳۵/۱۱/۲۸ ه.ع.د.ع.ک
۷۸۹	• رای وحدت رویه شماره ۲۶ - ۱۳۶۴/۹/۵ ه.ع.د.ع.ک
۳۴۷	• رای وحدت رویه شماره ۲۹ - ۱۳۶۰/۱/۱۵ ه.ع.د.ع.ک
۳۹۰,۴۷	• رای وحدت رویه شماره ۲۹ - ۱۳۶۳/۸/۲۸ ه.ع.د.ع.ک
۷۱۸,۳۹۳	• رای وحدت رویه شماره ۲۹۰ - ۱۳۵۰/۹/۱۷ ه.ع.د.ع.ک
۹۶	• رای وحدت رویه شماره ۳۰ - ۱۳۶۴/۱۰/۳ ه.ع.د.ع.ک
۴۶۰	• رای وحدت رویه شماره ۳۱ - ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ ه.ع.د.ع.ک
۲۱۸,۱۱	• رای وحدت رویه شماره ۳۱ - ۱۳۶۳/۹/۵ ه.ع.د.ع.ک
۲۲۰	• رای وحدت رویه شماره ۳۳ - ۱۳۵۲/۳/۳۰ ه.ع.د.ع.ک
۶۷,۱۵,۱۴	• رای وحدت رویه شماره ۳۵۶۱ - ۱۳۴۲/۱۲/۲۶ ه.ع.د.ع.ک
۷۹۳	• رای وحدت رویه شماره ۳۹ - ۱۳۶۰/۱۱/۱۲ ه.ع.د.ع.ک
۱۰۹,۴۴	• رای وحدت رویه شماره ۴ - ۱۳۶۳/۲/۱۹ ه.ع.د.ع.ک
۹۴۴	• رای وحدت رویه شماره ۴۳ - ۱۳۵۱/۸/۱۰ ه.ع.د.ع.ک
۵۱	• رای وحدت رویه شماره ۴۸ - ۱۳۶۳/۱۰/۲۴ ه.ع.د.ع.ک
۸۱۴	• رای وحدت رویه شماره ۵۰۹ - ۱۳۶۷/۳/۴ ه.ع.د.ع.ک
۹۴	• رای وحدت رویه شماره ۵۱۸ - ۱۳۶۷/۱۱/۱۸ ه.ع.د.ع.ک
۴۵	• رای وحدت رویه شماره ۵۲۰ - ۱۳۶۷/۱۲/۹ ه.ع.د.ع.ک
۷۲۴	• رای وحدت رویه شماره ۵۲۲ - ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ ه.ع.د.ع.ک
۲۳	• رای وحدت رویه شماره ۵۲۵ - ۱۳۶۸/۱/۲۹ ه.ع.د.ع.ک